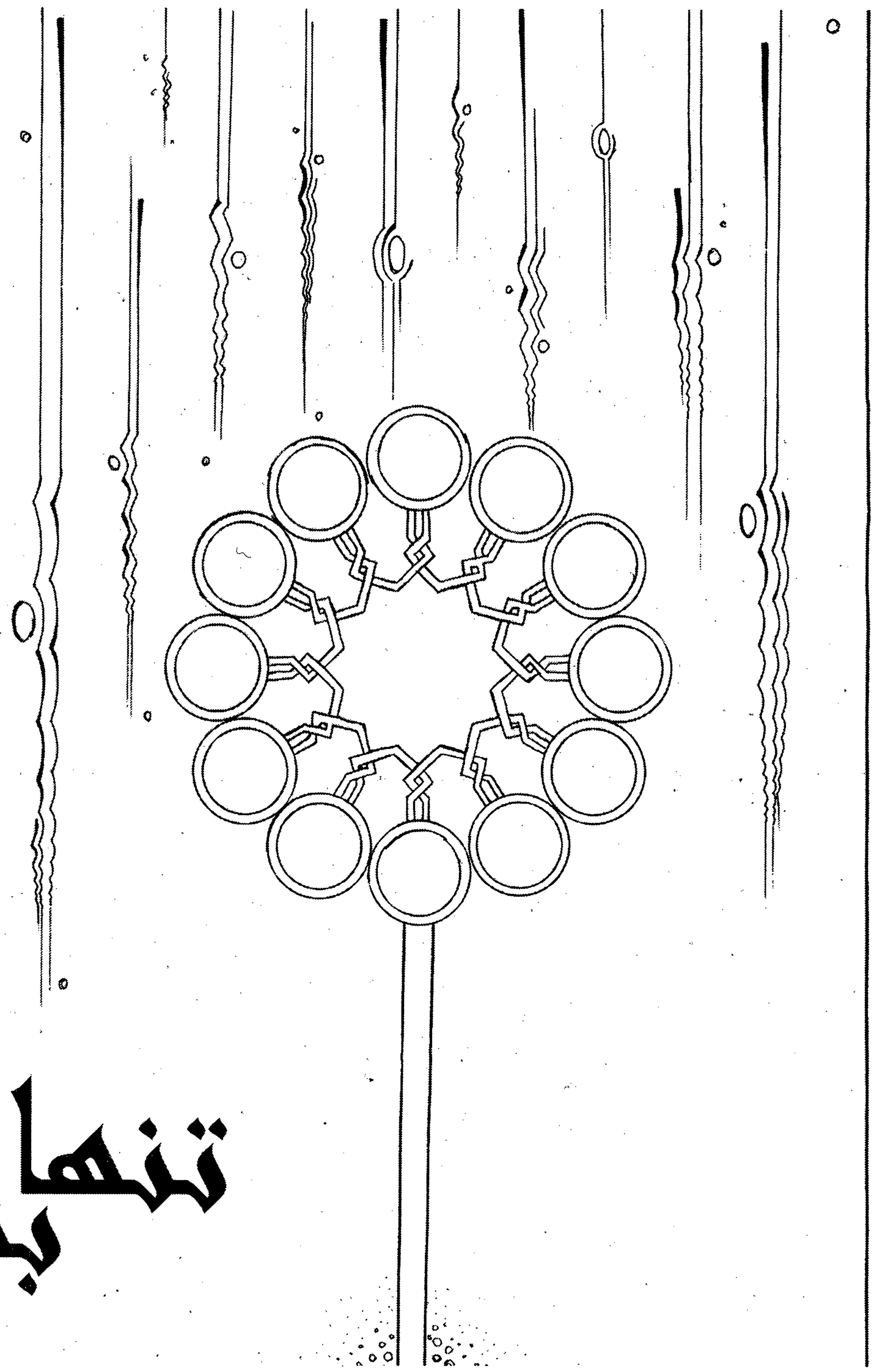

تنها بهار

محمد صابر جعفری

اشاره

بهار ، پیام آور رویش و شادی است و امام زمان(عج) بهار آشنای دل ها و سبزی روزگاران است.

بررسی روایات نشان می دهد، که عصر ظهور سرشار از جلوه های بهاری است.

این مقاله در پی تبیین برخی شباهت های حضرت مهدی(عج) و بهار است.

«السلام علی ربیع الانام و نضرة الایام»[1]

سلام بر بهار مردم، خرّمی دوران

پس همی گویند هر نقش و نگار

مژده مژده تک همی آید بهار[2]

مقدمه:

بهار، همیشه با تحفهٔ سرسبزی و شادابی و نشاط همراه است. بنابراین، طبیعت و تمام موجودات به بهار عشق می‌ورزند.

بررسی روایات نشان می‌دهد، ترسیمی که از امام مهدی(عج) و دستاوردهای آن بزرگمرد، صورت گرفته است؛ مملو از جلوه‌های بهاری است. حتی، از امام(ع)، به عنوان بهار نام برده شده است.

این مقاله نه تنها به دنبال تبیین برخی شباهت‌های حضرت مهدی(عج) و بهار است بلکه با توجه به این که امام احیاگر جان‌هاست و هیچ امری به اهمیت احیای جان‌ها نمی‌رسد؛ چنین ندا سر می‌دهد:

شاد از وی شو، مشو از غیر وی

او بهار است و دگرها ماه دی

یکم: یکی از ویژگی‌های بهار، باران فراوان، جوشش نهرها و چشمه‌ساران است:

۱. مهدی فاطمه، خود ابر باران‌خیز، باران بهاری و چشمه جوشان است:

الامام السحاب الماطر و الغیث الماطل و الشمس المضیئه و السماء الظلیله و الارض البسیطه و العین الغریزه و الغدیر و الروضه.[3]

امام، ابر بارنده، باران پیاپی، آسمان سایه افکن، زمین گسترده، چشمه جوشان، برکه و گلزار است.

۲. او بر جایی قدم نمی‌گذارد جز آن که بهاری شدن را به آن عرضه می‌کند:

اسماعیل‌وار، چشمه‌ها را جوشان می‌سازد، چشمه‌هایی که گرسنگان را سیر و عطش تشنگان را فرو می‌نشاند:

زو بخندد هم نهار و هم بهار

در هم آمیزد شکوفه و سبزه‌زار[4]

فلا ینزل منزلاً الا ینبت منه عیون فمن کان جائعاً شبع و من کان ظماناً روی.[۵]

در هیچ مکانی اقامت نمی گزینند جز آن که از مقدم او چشمه‌ها می جوشد، پس گرسنگان سیر و تشنگان را سیراب می گرداند.

۳. به برکت او، آسمان اشک شادی می‌ریزد: چشمه‌سارها سرازیر می‌شود و زمین چندین برابر محصول می‌دهد.

فعند ذلک... و تفیض العیون و تنبت الارض ضعف اکلها.[۶]

در آن هنگام چشمه‌سارها، سرازیر و زمین چندین برابر محصول خود می رویاند.

«تعطی السماء قطرها؛ آسمان، باران خویش را فرو می‌فرستد».[۷]

۴. فراوانی نهرها و چشمه‌ها از جلوه‌های دیگر این بهار زیباست:

«تزید المیاه فی دولته و تمد الانهار؛ آب‌ها در عهد او فراوان می‌شود، رودخانه‌ها پرآب می گردد».[۸]

و تعمر الارض و تصفو و تزهو بمهدیها و تجری به انهارها.[۹]

زمین به وسیلهٔ مهدی (عج) آباد، خرم و سرسبز می شود و به وسیلهٔ آن چشمه‌سارها روان می گردد.

دوم: ویژگی دیگر بهار، سرسبزی دشت و دمن است؛ هر کجا پا می‌گذاری، بوی طراوت و تازگی به مشام می‌خورد:

۱. هنگام ظهور، از کویرها، خشکی ها، سخنی نباید گفت: مسافت‌های طولانی، چون عراق تا شام، پای بر سبزه باید گذارد و قدم‌ها را با نوازش سبزه‌ها و گیاهان طراوت باید بخشید.

و لو قد قام قائمنا لانزلت السماء قطرها ولاخرجت الارض نباتها و... حتی تمشی المرأة بین العراق الی شام لاتضع قدمیها الا علی النبات.[۱۰]

قائم ما که قیام کند، آسمان باران خویش را فرو می فرستد و زمین، گیاهان خویش بیرون می فرستد و... تا جایی که زن از عراق تا شام برود و پای خود را جز بر روی گیاه نگذارد.

آری، خداوند با باران رحمتش، بهار مردمان، مهدی زهرا(ع) را سیراب می‌سازد، زمین گیاه خویش را بیرون می‌فرستد، دامها فراوان می‌شوند.

یسقیه اللّه الغیث و تخرج الارض نباتاتها و تکثر الماشیه.[۱۱]

خداوند با باران رحمتش، او را سیراب می‌سازد، زمین گیاه خود را بیرون می فرستد، دام‌ها فراوان می‌شوند.

تخرج الارض نباتها و تنزل السماء برکاتها و تظهر له الکنوز.[۱۲]

زمین گیاهان خود را خارج می کند، آسمان برکاتش را فرو می فرستد، گنج های نهفته در دل زمین برای او آشکار می شود.

امام صادق(ع):

ینتج اللّه فی هذه الامة رجلاً منی و انا منه یسوق اللّه به برکات السماوات و الارض فتنزل السماء قطرها و یخرج الارض بذرها و تأمن وحوشها و سباعها.[۱۳]

خداوند به این امت، مردی عطا می کند که از من است و من از اویم. به برکت او، برکات آسمان و زمین را عنایت می کند، آسمان، باران خویش را فرو می فرستد و زمین، بذر خویش را بیرون می فرستد.

۲. زمین برای اهل خود، چون عروسی زینت می بندد و زیبا می شود:

تعطی السماء قطرها و الشجر ثمرها و الارض نباتها و تزین لاهلها.[۱۴]

آسمان باران‌هایش را فرو ریزد، درختان میوه‌های خود را آشکار می سازد. زمین گیاهان خود را بیرون می فرستد و برای ساکنان خود آرایش می کند.

سوم: تازگی، نو و جدید شدن از دیگر ویژگی‌های بهار است، که جان را صفا می‌بخشد: بهار جان‌ها، مهدی زهرا نیز، با تازگی توأم است، جاهلیت‌ها را زدوده و اسلام را از نو بنا می‌نهد.

امام صادق(ع):

یصنع کما صنع رسول اللّه یهدم ما کان قبله کما هدم رسول اللّه امر الجاهلیة و یستأنف الاسلام جدیدا بعد ان یهدم ما کان قبله.[۱۵]

او چون پیامبر عمل می کند، چنان‌که پیامبر آن‌چه در قبل بوده را از بین برده، جاهلیت را نابود ساخته و اسلام را بنا نهاد، او نیز گذشته را نابود و پس از ریشه کن ساختن بدعت‌ها، اسلام را از نو پیاده می کند.

امام جواد(ع):

یقوم بامر جدید و سنة جدیده و قضاء جدید.[۱۶]

امر، سنت و قضای جدیدی را اقامه می سازد.

چهارم: بهار یعنی رفتن تمام مظاهر سردی، خشکی و مردگی و فرج و گشایش برای تمام آن‌ها که آرزوی روییدن را به سر داشته‌اند.

پیش از ظهور بهار، سوز سرما، رنج آور و تلخ است؛ ﴿**ظهر الفساد فی البر و البحر بما کسبت ایدی الناس.**﴾[۱۷]

بی‌عدالتی، ظلم و ستم، دوری از معنویات و رخت بر بستن حیا و امانت و... این اوضاع یخبندان چنان خواهد بود که آروزی بهار به فریاد و ناله می‌کشد؛ **و اشتد الطلب.**

بر هر دیاری بگذری، بر هر گروهی بنگری
با صد بیان با صد زبان در ذکر او غوغا بود[۱۸]

این المعد لقطع دابر الظلمه، این المنتظر لاقامة الامت و العوج، این المرتجی لازالة الجور و العدوان.[۱۹]

کجاست آن‌که برای بر کندن ریشهٔ ظالمان و ستمگران عالم مهیا گردیده است. کجاست آن‌که منتظر[یم] اختلاف و کج رفتاری‌ها را به راستی اصلاح کند؟ کجاست آن‌که امید [داریم] اساس ظلم و عدوان را از عالم براندازد؟

این قاصم شوکة المعتدین، این هادم ابنیة الشرک و النفاق این مبید اهل الفسوق و العصیان و الطغیان، این حاصد فروع الغیّ و الشقاق، این طامس آثار الزیغ و الاهواء این قاطع حبائل الکذب و الفتراء.[۲۰]

کجاست آن‌که شوکت ستمکاران را در هم شکند؟ کجاست آن‌که بنا و سازمان‌های شرک و نفاق را ویران می‌سازد؟ کجاست آن‌که اهل فسوق و عصیان و ظلم و طغیان را نابود می‌گرداند؟ کجاست آن‌که نهال [شاخه‌های] گمراهی و دشمنی و عناد را از زمین بر می‌کند؟ کجاست آن‌که آثار اندیشهٔ باطل و هواهای نفسانی را محو و نابود می‌سازد؟ کجاست آن‌که حبل و دسیسه‌های دروغ و افترا را از ریشه قطع خواهد کرد؟

بهار رخ می‌نماید، سردی‌ها را می‌زداید. آنان که به سردی‌ها خو کرده و از عادات زشت سرما جدایی ناپذیرند، سرنوشت سرما را خواهند داشت و آنان که در اوج سرما، روح خویش را به گرمای انتظار، تقوی و انجام وظیفه، زنده نگه داشته‌اند، به دیدن بهار خوشنود می‌گردند و به یاری‌اش به جنگ سرما و اهل سرما می‌روند. برای بشریّت، هیچ سوز سرمایی بدتر از ظلم، تبعیض و بی‌عدالتی نیست و بهار واقعی زمانی است که از این امور، خبری نباشد.

۱. عدالت برپا شده، احدی به دیگری ستم روا نمی‌دارد.

امام رضا(ع):

فاذا خرج اشرقت الارض بنور ربها وضوح المیزان بالعدل بین الناس فلا یظلم احدا احدا.[۲۱]

به هنگام ظهورش جهان با نور پروردگارش می درخشد. او میزان را به عدل در میان مردم قرار می دهد. دیگر کسی در حق کسی ستم نمی کند.

«**یبید الظلم و اهله**؛ ستم و ستمگران را نابود می سازد».[۲۲]

«**فتستبشر الارض بالعدل**؛ جهان با پیاده شدن عدالت، خوشحال می شود».[۲۳]

لا یقرع احداً فی ولایته بسوط الا فی حد.[۲۴]

در تمام دوران حکومتش، جز به هنگام اجرای حدود الهی، کسی را مورد ضرب قرار نمی دهد.

۲. حق بر قرار و باطل نابود می گردد

هو الذی یجمع الکلم و یتم النعمه و یحق اللّه به الحق و یزهق الباطل و هو مهدیکم المنتظر.[۲۵]

اوست که سخن ها را یکی می کند (وحدت کلمه ایجاد می کند) نعمت ها را کامل می گرداند. خداوند به وسیلهٔ او حق را تحقق می بخشد و باطل را ریشه کن می سازد. او مهدی منتظر شماست.

۳. زدودن بدعت ها و باطل ها با کمک یاران بهاری

هذه لآل محمد الی آخر الائمه و المهدی و اصحابه یملکهم اللّهُ مشارق الارض و مغاربها و یظهر الدین یمیت اللّه عزوجل و باصحابه البدع و الباطل کما امات السفهة الحق حتی لایری اثر من الظلم یامرون بالمعروف و ینهون عن المنکر.[۲۶]

امام باقر(ع) در ذیل آیهٔ ﴿**الذین ان مکناهم فی الارض...**﴾

«آنان که اگر آن ها را در روی زمین امکانات بدهیم، نماز را به پای دارند و زکات را می پردازند و امر به معروف و نهی از منکر می کنند و عاقبت امور از آنِ خداست»، فرمود:

این آیه در حق آل محمد(ص) است. در حق امامان معصوم و حضرت مهدی(ع) و یاران اوست که خداوند آن ها را مالک شرق و غرب جهان نموده، آیین اسلام را پیروز کرده، بدعت ها و باطل ها را به دست او و یارانش نابود می سازد، چنان که سفیهان حق را لگدمال کرده باشند. دیگر از ستم ها و بدعت ها نشانه ای نمی ماند.[۲۷]

۴. زمان سختی ها سپری می گردد

رسول گرامی اسلام: «**به یفرج اللّه عن الامه**؛ خداوند به وسیلهٔ او از امت، رفع گرفتاری

می نماید».[۲۸]

به یمحق اللّه الکذب و یذهب الزمان الکلب و یخرج ذل الرق من اعناقکم.[۲۹]

خداوند به وسیله او، دروغ و دروغ گویی را نابود می سازد، روح درندگی و ستیزه‌جویی را از بین می برد و ذلّت بردگی را از گردن آن‌ها برمی‌دارد.

۵. فتنه‌ها و غارت‌ها رخت برمی‌بندد

امام باقر(ع): «و تعدم الفتن و الغارات؛ فتنه‌ها و چپاولگری‌ها از بین می‌رود.»[۳۰]

۶. زمین از هرگونه آلودگی پاک و پاکیزه می‌گردد

«و تکون الارض کفاتور الفضه؛ زمین همانند نقره از هر گونه تیرگی پیراسته خواهد بود».[۳۱]

پنجم: بهار به همراه خویش، خیر و برکت ارزانی می‌کند، به هنگام حلول بهار اهل بیت، نیز چنین خواهد شد:

فحینئذٍ تظهر الارض کنوزها و تبدی برکاتها.[۳۲]

آن هنگام، زمین گنج‌های خود را نمایان و برکات خویش را آشکار می سازد.

«یکثر الخیر و البرکات؛ خیرات و برکات بسیار می شود».[۳۳]

ششم: چنان‌که بهار، عصر فراوانی سرسبزی‌هاست و بی‌حد و حساب گیاهان است. بهار آن‌چه از زیبایی در درون دارد، عرضه، می‌دارد، همه چیز در خدمت امام قرار می‌گیرد و امام بی‌حد و حساب بخشش می‌کند تا آن‌جا که غنا و بی‌نیازی رخ می‌نماید.

۱. همه چیز در خدمت امام

تجمع الیه اموال الدنیا کلها من بطن الارض و ظهرها.[۳۴]

تمام اموال دنیا، از برون و درون زمین، در اختیار او گرد می آیند.

«تظهر له کنوز الارض؛ گنج‌های زمین، برای او نمایان می گردد».[۳۵]

«یستخرج الکنوز؛ گنج‌ها را استخراج می کند».[۳۶]

حضرت علی(ع):

السماوات و الارض عند الامام کیده من راحته، یعرف ظاهرها من باطنها و یعلم برها من فاجرها.[۳۷]

آسمان‌ها و زمین در نزد امام(ع) هم‌چون کف دست اوست ظاهر و باطن آن‌ها را می فهمد. نیک و بد آنان را می شناسد.

ان الدنیا لمتمثّل للامام مثل فلقة الجوز فلا یعزب عنه منها شی و انه لیتناولُها

من اطرافها کما یتناول احدکم من فوق مائدتهِ ما یشاء.[۳۸]

همه دنیامثل حبه گردو در برابر امام نمایان می شود؛ چیزی از آن برای او پوشیده نمی باشد. از هر طرف بخواهد در آن تصرف می کند. آن چنان که یکی از شما در سفره‌ای که در برابرتان گسترده است از هر طرف بخواهد دست می برد و از آن بهره می گیرد.

ینزل له من السماء قطرها و تخرج له الارض بذرها.[۳۹]

به خاطر او از آسمان باران می بارد و زمین برای او، بذرهای خویش را عرضه می داد.

تفی الارض افلاذ کبدها امثال الاسطوان من الذهب و الفضه.[۴۰]

زمین جگرپاره‌های خود را چون قطعات طلا و نقره بیرون می ریزد.

۲. بهار سرسبز آروزها، بی حساب می بخشد

فیعطیکم فی السنة عطاءین و یرزقکم فی الشهر رزقین.[۴۱]

سالی دوبار و ماهی دو مرتبه، عطایایش شامل حالتان می شود.

پیامبر اسلام(ص):

ثم یبعث اللّه رجلاً منی و من عترتی....یحثوالمال حثوا لایعده عداً و ذلک حین یضرب الاسلام بجرانه.[۴۲]

اموال را چون سیل می ریزد، ثروت را کلان کلان می بخشد و آن را نمی شمارد؛ این هنگامی است که اسلام به طور کامل اجرا شود.

۳. چنان می بخشد که تا حال چنین نعمتی ندیده‌اند

تنعم امتی فی زمانه نعیماً لم ینعموا مثله قط البر منهم و الفاجر، یرسل السماء علیهم مدراراً و لاتحبس الارض شیئاً من نباتها و المال کدوس یاتیه الرجل فیسأله فیحثوله.[۴۳]

در دولت او مردم آن چنان در رفاه و آسایش به سر می برند که هرگز نظیر آن دیده نشده، مال به قدری فراوان می شود که هر کس نزد او بیاید، درخواست کند، اموال فراوانی زیر پایش می ریزد.

یفیض المال فیضاً؛ و یحثو المال حثواً و لایَعدُّهُ عَدّاً.[۴۴]

اموال را چنان سیل می ریزد، ثروت را کلان کلان می بخشد و آن را نمی شمارد.

امام صادق(ع):

المهدی سمح بالمال، شدید علی العمال رحیم بالمساکین.[۴۵]

مهدی، بخشنده‌ایست که مال را به وفور می‌بخشد، بر مسئولین کشوری بسیار سخت می گیرد و بر بی نوایان بسیار رئوف و مهربانست.

فیعطی شیئاً لم یعطه احد کان قبله.[۴۶]

آن گاه آن‌چنان عطایای کلان به آن‌ها می‌دهد که هرگز در تاریخ بشری سابقه نداشته است.

«یکون عطایاه هنیئاً؛ عطایایش گوارا می‌باشد».[۴۷]

۴. بی نیازی

این بی‌نیازی، گاه در اثر غنای مالی است و رفع فقر و از این مهم‌تر، روح بی‌نیازی است که در اثر رشد عقلی، رخ می‌نماید:

فحینئذ تظهر الارض کنوزها و تبدی برکاتها فلا یجد الرجل منکم یومئذٍ موضعاً لصدقته و لالبره لشمول الغنی جمیع المؤمنین.[۴۸]

در آن هنگام، زمین گنجینه‌های خود را برای او آشکار می‌سازد و برکت‌هایش را بیرون می فرستد، دیگر انسان برای صدقه و بخشش محلّی پیدا نمی کند؛ زیرا بی‌نیازی همهٔ مومنان را زیر پَر می گیرد.

رسول اسلام(ص):

یفیض فیهم المال حتی یَهمّ الرجل بماله من یقبَلُهُ حتی یتصدق فیقول الذی یعرضه علیه لا ارب لی به.[۴۹]

ثروت را در میان آن‌ها به فراوانی می بخشد. کسی که درصدد صدقه دادن باشد، اموالی را برمی دارد و به مردم عرضه می کند. به هر کس عرضه کند می گوید: من نیازی ندارم.

یَقْسِم المال صحاحاً و یملأُ قلوب اُمّة محمد غنی و یسعهم عدلُهُ.[۵۰]

مال را علی السویه تقسیم می کند و دل‌های امت محمدی(ص) را بابی نیازی پر می کند و عدالتش همهٔ آن ها را فرا می گیرد.

امام صادق(ع):

یامرُ منادیاً فیقول: من کان له فی المال حاجة فلیقم. فما یقوم من الناس الا رجل واحد فیقول: انا فیقول القائم: ائتِ السادن فقل له: ان المهدی یامرک ان تعطینی مالا فیقول السادن: اُحثُ و یحثو له فی ثوبه حثوا حتی اذا جعله فی حجره و

ابرزه ندم و قال: کنتُ اَجْشَعَ اُمّةِ محمد نفساً او عجز عَنّی ما وسعهم ثم یَرُدُّ المال الی الخازن فلا یُقبَل منه و یقول المهدی: انا لاناخذ شیئاً اعطیناه.[۵۱]

به منادی دستور می دهد که در میان مردم اعلام کند که هر کس نیازی به مال دنیا دارد برخیزد. از میان همهٔ مردم فقط یک نفر برمی خیزد و می گوید: من. حضرت قائم(ع) به او می فرماید: برو پیش کلیددار و بگو: مهدی(عج) به تو دستور می دهد که مالی به من بدهی. کلیددار می گوید: جامه‌ات را بیاور. جامه‌اش را پهن می کند و وسط آن را پر می کند. هنگامی که آن را بر دوش گیرد پشیمان می شود که چرا در میان امت محمدی(ص) من از همه آزمندتر باشم؟ چرا آن عفّت نفس عمومی را من دارا نباشم؟! آن گاه مال را به کلیددار می‌دهد و پذیرفته نمی شود و حضرت مهدی(عج) می فرماید: ما آن چه عطا کردیم هرگز باز پس نمی گیریم.

هفتم: باران‌های حیاتبخش بهاری، زمین مرده را پس از مدت‌ها خواب و مرگ حیات می‌بخشد. استعدادها شکوفا می‌شود. بذر خشک مرده که باور نمی‌شد، چیزی را در درون داشته باشد. شکوفا شده، گیاه زیبایی می‌گردد. زمین خشک و نفوذناپذیر با بارش پیاپی باران، رام گشته و آن‌چه در درون دارد، به وزش باد بهاری می‌سپارد. بذرهایی که سالم به خاک سر سپرده‌اند، رجعتی دوباره می‌یابند و به روی بهار لبخند می‌زنند و در سرسبزی طبیعت، به یاری‌اش بر می‌خیزند، بهار زیبای پیامبر(ص) نیز چنین می‌کند.

۱. ویژگی بهار، حیات بخشیدن است

مهدی برترین حیات بخشی است که آرزوی تمام انبیاء و اوصیاء را به هدف اجابت می‌رساند: امام صادق(ع) در تفسیر آیهٔ شریفه **﴿اعلموا ان اللّه یحیی الارض بعد موتها﴾**[۵۲]؛ «بدانید که خداوند زمین را پس از مرگش زنده می‌سازد». فرمود: **«کُفر أهلها فیحیها اللّه بالقائم**؛ پس از مرگ زمین به وسیلهٔ کافر شدن مردمان، خداوند آن را به‌وسیلهٔ قائم(عج) زنده می کند.»[۵۳]

امام باقر(ع) درتفسیر همین آیه فرمود:

یحییها بالقائم(ع) فیعدل فیها، فیحیی الارض بعد موتها بالظلم.[۵۴]

خداوند آن را به وسیلهٔ قائم(ع) زنده می کند. پس عدالت را در آن به اجرا درمی‌آورد و زمین را زنده می سازد. پس از آن‌که به وسیلهٔ ستم مرده باشد.

جعلهم حیاة للانام و مصابیح للظلام.[۵۵]

خداوند آنان را مایه حیات مردم، و مشعل های هدایت در گمراهی ها قرار داد.

این دم ابدال باشد ز آن بهار
در دل و جان روید از وی سبزه‌زار[۵۶]

۲. حیات، راه، فرایض و سنن الهی

امام، قلب‌ها را زنده می‌سازد، دین و سنت پیامبر که به خمودی گراییده را زنده می‌سازد:

«**احیی به مناهج سبیله و فرائضه و حدوده**؛ خداوند به وسیلهٔ او راه‌های هدایت و فرایض و حدود خویش را زنده می‌سازد».[۵۷]

«**احیی بهم دینه و اتم بهم نوره**؛ به وسیله آنان دین خود را زنده کرد و نور خود را به اتمام رسانید».[۵۸]

«**... یمحو کل ضلالة و یحیی کل سنة**؛ [خداوند به وسیلهٔ او] گمراهی‌ها را از بین می‌برد و سنّت‌ها را زنده می‌سازد».[۵۹]

«**یُعزّ اللّه به الاسلام بعد ذله و یحیه بعد موته**؛ خداوند به وسیلهٔ او اسلام را پس از ذلّت به عزت می‌رساند و پس از افسردنش زنده می‌سازد.»[۶۰]

۳. حضرت، استعدادها را شکوفا می‌کند

عقل‌های به خواب رفته را بیداری می‌بخشد، زمین‌ها را حیات و زمینه‌ها و استعدادها را شکوفا می‌گرداند؛ مگر نه این است که تمام انبیا و اوصیا آمده‌اند تا گنج‌های عقول را استخراج نمایند.

«**و یثیروا لهم دفائن العقول**؛ تا بر ایشان گنج‌های اندیشه و عقل را استخراج نموده، نمایان سازند.»[۶۱]

آن خزان نزد خدا نفس و هواست
عقل و جان عین بهار است و بقاست[۶۲]

فجمع به عقولهم و کملت به احلامهم ثم مد اللّه فی ابصارهم و اسماعهم.[۶۳]

خردهای آنان را گرد آورد، رشدهای آنان را کامل گرداند و خداوند بر وسعت بینایی و شنوایی آنان می‌افزاید.

اذا هز رایته اضاء لها ما بین المشرق و المغرب و وضع اللّه یده علی رؤوس العباد.[۶۴]

چون پرچم او به اهتزاز درآید، میان مشرق و مغرب با نور آن روشن می‌شود و خداوند دستش را بر سر بندگان می‌گذارد.

هشتم: شادمانی، مسرت و شادمانی دستاورد دیگر بهار است.

بهار دل‌ها، مهدی زهرا، نیز غم و اندوه را می‌زداید و شادی و نشاط را نه تنها به انسان که به پرندگان و آبزیان و همه و همه هدیه می‌دهد.

آن روز مردگان نیز خرسند می‌گردند و به هم مژده ظهور می‌دهند:

وقت پژمردگی و غمزدگی آخر شد
روز آویختن از دامن یار آمد باز
مردگی ها و فروریختگی ها بشدند
زندگی ها به دو صد نقش و نگار آمد باز[۶۵]

۱. زدودن رنج‌ها و غم‌ها و بیماری‌ها

انسان را از هر نوع بیماری جسمی، روحی نجات می‌یابد:

من ادرک قائم اهل بیتی من ذی عاهة بری و من ذی ضعف قوی.[۶۶]

هر کس که قائم اهلبیت مرا درک کند. اگر بیمار باشد، بهبودی می یابد و اگر ناتوان باشد، نیرومند می شود.

و نزول کل عاهة عن معتقدی الحقِ من شیعة المهدی.[۶۷]

هر بیماری که از معتقدین به حق از شیعیان مهدی (ع) باشد، بهبودی می یابد.

یشفی اللّه قلوب اهل الاسلام.[۶۸]

خداوند به دست او دل‌های مسلمین را تسکین می بخشد.

آخر رجل منهم انجی به من الهلکة و اهدی به من الضلاله و ابری به من العمی و اشفی به المریض و لاطهرن الارض باخرهم من‌اعدائی.[۶۹]

[خداوند به پیامبر فرمود] آخرین آن‌ها مردی است که به دست او از هلاکت نجات می بخشم و به وسیلهٔ او از گمراهی هدایت می‌نمایم و به دست او کور را بینا و بیمار را شفا می‌دهم و زمین را به وسیلهٔ او از دشمنانم پاک می‌سازم.

اذا قام قائمنا وضع یده علی رؤوس العباد فجمع به عقولهم و کملت به احلامهم ثم مد اللّه فی ابصارهم و اسماعهم[۷۰]

هنگامی که قائم ما قیام کند، دست شریفش را بر سر بندگان گذارد و خردهای آنان را گرد آورد، رشدهای آنان را کامل گرداند و خداوند بر وسعت بینایی و شنوایی آنان می‌افزاید.

۲. شادمانی

۱ـ۲. شادمانی زندگان؛ مسلمانان و مؤمنان:

«**اذا ادرکت ذلک الزمان قرت عینک**؛ چون آن روز را درک کنی، چشمانت روشن می شود».[۷۱]

امام صادق(ع):

المهدی اذا خرج یفرج به جمیع المسلمین خاصتهم و عامتهم.[۷۲]

مهدی که قیام نماید، همهٔ مسلمانان از خواص و عوام به وسیلهٔ آن، خوشحال می شوند.

امام کاظم(ع):

یفرج بخروجه المومنون و اهل السماوات و لا یبقی کافر و لا مشرک الا کره خروجه.[۷۳]

مؤمنان و اهل آسمان‌ها با ظهور او خوشحال و شاداب می شوند، ولی هیچ کافر و یا مشرکی نمی ماند جز این که ظهور او را ناخوش دارد.

۲ـ۲. شادمانی مسلمانان و مؤمنان درگذشته

لا یبقی مؤمن الا دخلت علیه تلک الفرحة فی قبره و ذلک حیث یتزاورون فی قبورهم و یتباشرون بقیام القائم.[۷۴]

مؤمنی نیست جز آن که، این شادمانی در قبر او نیز وارد آید، هنگامی که در قبرها به دیدار هم می روند و قیام قائم را به هم بشارت می دهند.

۲ـ۳. شادمانی همگانی

یفرح بخروجه اهل السماوات و سکانها.[۷۵]

به قیام او، اهل آسمان‌ها و ساکنین آن‌ها شادمانی کردند.

امام صادق(ع):

یفرح به اهل السماء و اهل الارض و الطیر فی الهواء و الحیتان فی البحر.[۷۶]

اهل آسمان و زمین به وسیلهٔ ظهور او خوشحال می شوند، پرندگان هوا و ماهیان دریا نیز با ظهور او شادی می کنند.

فعند ذلک تفرح الطیور فی اوکارها و الحیتان فی بحارها و تفیضُ العیون و تنبت الارضُ ضعفَ اُکُلها.[۷۷]

در آن هنگام پرندگان در آشیانه‌های خود شادمان می شوند و ماهیان در قعر دریاها شادمانی می کنند و چشمه‌ها سرازیر می شوند و زمین چندین برابر محصول خود، می رویاند.

امام حسن عسکری(ع) به امام زمان (عجل اللّه فرجه الشریف) فرمود:

یود الطفل فی المهد لواستطاع الیک نهوضا و نواشطُ الوحشُ لو وجد نحوک مجازاً تهتز بک اطرافُ الدنیا بهجة و تهتز بک اعطاف العزّ نُضرةً.[۷۸]

کودکی که در گهواره آرمیده، آرزو می کند که بتواند به سوی تو بشتابد وحشیان صحرا آرزو می کنند که بتوانند به سوی تو راهی یابند. اقطار و اکناف جهان سبز و خرم می شود، چهرهٔ دنیا خندان و قله‌های شرف و عظمت از تو شاداب و خرامان می گردد.

نهم: بهار، خیر و برکت، طراوت و... همه و همه زمینهٔ محبت را فراهم می‌آورد، نفرت‌ها از بین می‌روند، گویی الفت و مهربانی و صمیمیت ارمغانی جدا ناشدنی از بهار است.

۱. زدودن نفرت‌ها و کینه توزی‌ها

و تذهب الشحناء من قلوب العباد و یذهب الشر و یبقی الخیر.[۷۹]

کینه‌ها از دل مردم بیرون رود و شر از جهان رخت بربندد و تنها خیر باقی بماند.

۲. الفت

الفت، یکی از نعمت‌هایی است که قرآن بر آن تأکید فراوان دارد:

﴿و اعتصموا بحبل اللّه جمیعاً و لا تفرقوا و اذکروا نعمت اللّه علیکم اذ کنتم اعداءً فالّف بین قلوبکم فاصبحتم بنعمته اخوانا و کنتم علی شفا حفرة من النار فانقذکم منها...﴾[۸۰]

همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید و نعمتِ (بزرگ) خدا را بر خود، به یاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید و او میان دل‌های شما الفت ایجاد کرد و به برکت نعمت او، برادر شدید و شما بر لب حفره‌ای از آتش بودید، خدا شما را از آن نجات داد....

ذریهٔ پیامبر(ص)، چون رسول خدا(ص) که بهار یتیمان (ربیع الایتام)[۸۱] و بهار خیر (ربیع الخیر)[۸۲] بود، مظهر رحمت الهی‌اند. مهدی فاطمه (عجل اللّه فرجه الشریف) که رحمت واسعهٔ الهی[۸۳] است کمال رحمت، الفت و مهربانی را هدیه می‌آورد:

بنا یؤلف اللّه بین قلوبکم بعد عداوة الفتنه کما الف بین قلوبهم بعد عداوة الشرک و بنا یصبحون بعد عداوة الفتنه اخوانا کما اصبحوا بعد عداوة الشرک اخوانا فی دینهم.[۸۴]

خداوند به دست ما در میان آن‌ها الفت و صمیمیت ایجاد می کند؛ چنان‌که پس از کینه‌توزی های شرک به دست ما در میانشان صفا و صمیمیّت ایجاد نمود. بعد از عداوت روزگار فتنه، به وسیلهٔ ما برادری خود را باز یابند، چنان‌که بعد از عداوت شرک، به دست ما برادر ایمانی گشتند.

۳. صمیمیّت

اذا قام القائم جاءت المزامله و یاتی الرجل الی کیس اخیه فیأخذ حاجته لا یمنعه.[۸۵]

هنگامی که قائم قیام کند، دوستی واقعی و صمیمیت حقیقی پیاده می شود. هر نیازمندی دست می برد و از صندوق برادر ایمانی خویش، به مقدار نیاز برمی دارد و صاحب صندوق هم او را منع نمی کند.

دهم: برترین بهار، محبوب‌ترین یار؛

شاد از وی شو مشو از غیر وی
او بهار است و دگرها ماه دی[۸۶]

بهار، اگر سرسبزی و نشاط طبیعت را به همراه خویش به ارمغان می‌آورد، امام، سرسبزی، طراوت و زندگی را به روح جان‌ها می‌بخشد. انسان را فراتر از طبیعت می‌سازد و او را از خاکدان طبیعت می‌رهاند و به اوج می‌رساند این‌جاست که او از هر بهاری، بهارتر و از هر چیزی مهربان‌تر است.

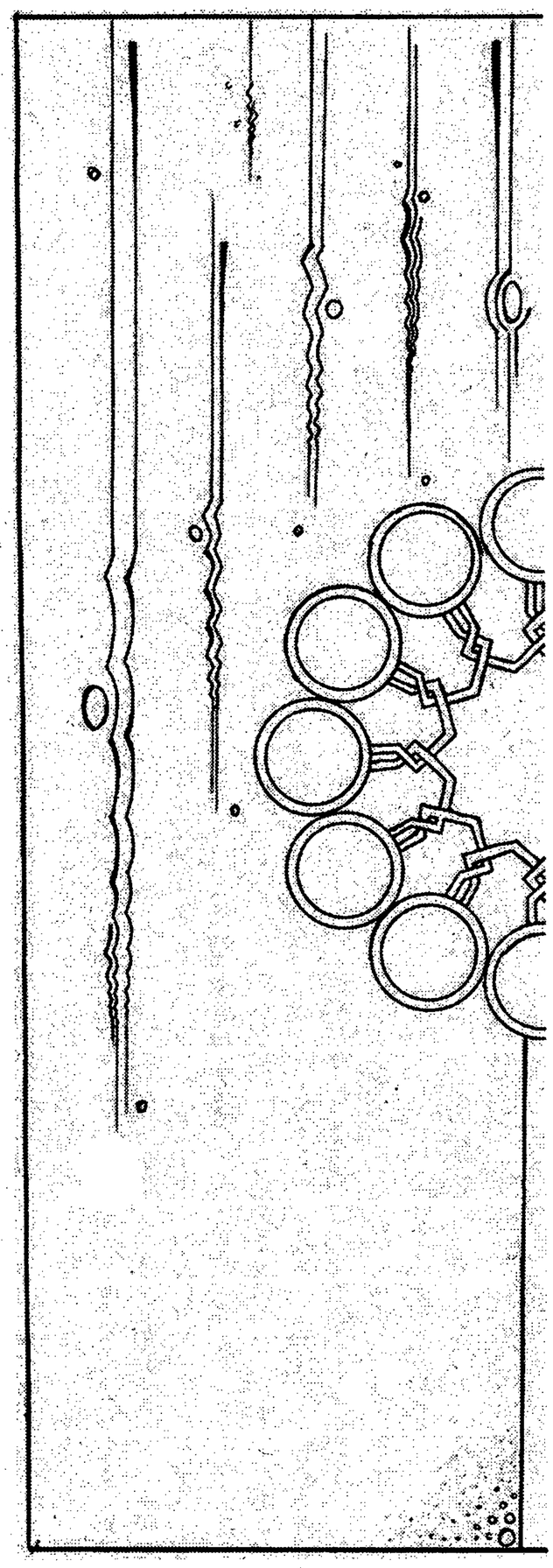

۱. دلسوز و مهربان

امام صادق(ع):

المهدی سمح بالمال شدید علی‌العمال رحیم بالمساکین.[۸۷]

مهدی بخشنده‌ایست که مال را به وفور می بخشد، بر مسئولین کشوری سخت می گیرد و بر بی نوایان بسیار رئوف و مهربان است.

۲. پناه مردمان

«**اوسعکم کهفا**؛ او از همه آغوش پناهش برایتان گشاده‌تر است.»[۸۸]

«**مفزع العباد**؛ پناهگاه بندگان است.»[۸۹]

۳. رفیقی صمیمی، پدری مهربان، از مادر مهربان‌تر

الامام الانیس الرفیق و الوالد الشفیق و الاخ الشقیق و الام البره بالولد الصغیر.[۹۰]

امام انیسی رفیق، پدری شفیق و برادری همزاداست،

همانند مادری نکوکار نسبت به فرزند خردسال است.

۴. این بهار، دوست داشتنی‌ترین بهار است

«المهدی محبوب فی الخلائق؛ مهدی در میان همه مخلوقات، محبوب است».[۹۱]

۵. محبوب آسمانیان و زمینیان

یحبه ساکن الارض و ساکن السماء؛ ساکنان زمین و آسمان به او عشق می‌ورزند.[۹۲]

بی زبان گویند سرو و سبزه‌زار
شکر آب و شکر عدل نوبهار[۹۳]

۶. عشق وصف‌ناشدنی امت

یاوی الی المهدی امته کما تاوی النحل الی یعسوبها.[۹۴]

امت اسلامی به مهدی (عج اللّه فرجه الشریف) مهر می‌ورزند و به سویش پناه می‌برند. آن چنان‌که زنبوران عسل به سوی ملکهٔ خود پناه می‌برند.

عاشقان، چنان او را دوست دارند که چون حضرت سخن می‌گویند، آن قدر گریه می‌کنند که نمی‌فهمند حضرت چه می‌گوید:

یدخل المهدی الی الکوفه و... فیدخل حتی یاتی المنبر و یخطُبُ فلا یدری الناس ما قال من البکاء.[۹۵]

... مهدی داخل کوفه می‌شود.... بر فراز منبر قرار می‌گیرد و خطبه آغاز می‌کند (آن قدر مردم اشک شوق می‌ریزند که) از شدت گریه نمی‌فهمند که او چه می‌گوید؟!

تلک عشرة کامله؛[۹۶]

آن سفر کرده که صد قافله دل همره اوست
هر کجا هست خدایا به سلامت دارش[۹۷].

۱. بحار الانوار، ج ۹۹ ص ۱۰۱ باب ۷؛ مفاتیح الجنان به نقل از سید بن طاووس، بلد الامین ص ۲۸۶؛ با تعبیر «ربیع الیتام و نضرة الایتام»؛ مصباح کفعمی ص ۴۹۷ با کمی تغییر.
۲. مثنوی معنوی، دفتر اول، ۱۳۱.
۳. کافی، ج ۱، ص ۱۹۸؛ تحف العقول، ۴۳۹.
۴. مثنوی معنوی، دفتر دوم، ۲۴۶.
۵. کمال الدین، ۲، ۶۷، باب ۵۸؛ غیبت نعمانی، ص ۲۳۸، باب ۱۳.
۶. ینابیع الموده، ج ۳، ص ۱۳۶؛ روزگار رهایی، ۶۰۱.
۷. بحار الانوار، ۵۳، ص ۸۵ باب ۲۹.
۸. منتخب الاثر، ص ۴۷۲.
۹. ینابیع الموده، ج ۳، ص ۷۸ و ۱۳۲.
۱۰. خصال / ۲ / ۶۲۶.
۱۱. مستدرک علی الصحیحین؛ ج ۴، ص ۵۵۷، کتاب الفتن و الملاحم؛ منتخب الاثر، ص ۵۹۱.
۱۲. احتجاج، ۲، ۲۹۰.
۱۳. غیبت طوسی، ص ۱۸۸.
۱۴. بشارة الاسلام، ص ۷۱؛ روزگار رهایی، ص ۶۳۹.
۱۵. غیبت نعمانی، باب ۱۳، ص ۲۳۰.
۱۶. غیبت نعمانی، باب ۱۳، ۲۳۴.
۱۷. روم / ۴۱.
۱۸. دیوان امام خمینی (ره)، ص ۱۰۳.
۱۹. دعای ندبه، مفاتیح الجنان، ترجمه الهی قمشه‌ای.
۲۰. همان.
۲۱. اعلام الوری، فصل ثانی، ۴۳۴؛ کمال الدین ج ۲، باب ۳۵، ۳۷۲.
۲۲. بشارة الاسلام، ۲۹۷؛ روزگار رهایی، ص ۵۲۴.
۲۳. بشارة الاسلام، ص ۷۱؛ روزگار رهایی، ص ۶۳۹.
۲۴. الملاحم و الفتن، ۶۶؛ روزگار رهایی، ۶۰۳.
۲۵. ینابیع الموده، ص ۹۲؛ روزگار رهایی، ص ۵۰۰.
۲۶. بحار الانوار، ۵۱، ۴۷؛ الزام الناصب، ص ۲۵ و ۲۳۷.
۲۷. حج / ۴۱.
۲۸. غیبت طوسی، ۱۸۷.
۲۹. همان.
۳۰. ینابیع المودّة، ۳، ۷۸.
۳۱. الملاحم و الفتن، ۶۶؛ روزگار رهایی، ۶۰۳.
۳۲. ارشاد/۳۸۴/۲.
۳۳. ینابیع المودة، ۳، ۷۸؛ روزگار رهایی، ۶۰۲.
۳۴. علل الشرایع، ۱، ۱۶۱ باب ۱۲۹.
۳۵. خرائج، ۳، ۱۱۶۵.
۳۶. کشف الغمه، ج ۲، ۴۷۰.
۳۷. الزام الناصب، ص ۱۱.
۳۸. اختصاص مفید، ص ۲۱۷.
۳۹. غیبت طوسی، ۱۸۰.
۴۰. ینابیع الموده، ج ۳، ص ۸۶؛ روزگار رهایی، ۶۰۱.
۴۱. غیبت نعمانی، باب ۱۳، ۳۳۸.
۴۲. امالی طوسی، باب ۱۸، ۵۱۲.
۴۳. روضة الواعظین، ۲، ۴۸۵.
۴۴. کشف الغمه، ۲، ۴۷۰.
۴۵. الملاحم و الفتن، ص ۱۳۷؛ روزگار رهایی ۵۹۸.
۴۶. غیبت، نعمانی، باب ۱۳، ۲۳۷.
۴۷. کشف الغمه، ج ۳، ۲۶۲؛ روزگار رهایی، ۵۹۶.
۴۸. ارشاد، ۲، ۳۸۴.
۴۹. مسند احمد، ج ۲، ۵۳۰؛ روزگار رهایی، ۵۹۷.
۵۰. کشف الغمة، ج ۳، ۲۶۱؛ روزگار رهایی ۵۹۷.
۵۱. الصواعق المحرقه، ۱۶۴؛ روزگار رهایی، ص ۶۴۲.
۵۲. حدید: ۱۷.
۵۳. الزام الناصب، ص ۲۴۴؛ روزگار رهایی ص ۶۳۶.
۵۴. الامام المهدی ص ۵۷، روزگار رهایی ص ۶۳۶.
۵۵. غیبت نعمانی، ۲۳۲.
۵۶. مثنوی مولوی / دفتر اول / ۹۲.
۵۷. غیبت نعمانی، ۲۳۳.
۵۸. الزام الناصب، ص ۱۲۸؛ روزگار رهایی، ۱۰۶.
۵۹. اصول کافی، ج ۱، ص ۴۱۲؛ روزگار رهایی، ص ۱۰۹.
۶۰. بشارة الاسلام، ۲۹۷؛ روزگار رهایی، ۵۱۴.
۶۱. شرح نهج البلاغه / ۱/ ۱۱۳.
۶۲. مثنوی، دفتر اول، ۹۳.
۶۳. بشارة الاسلام، ۲۵۴؛ روزگار رهایی، ۶۲۲.
۶۴. اعلام الوری، ۴۳۵؛ روزگار رهایی، ۴۶۲.
۶۵. دیوان امام، ۱۲۵.
۶۶. بشارة الاسلام، ۲۴۳؛ روزگار رهایی ۴۲۱.
۶۷. الزام الناصب، ۱۸۵؛ روزگار رهایی، ۴۲۱.
۶۸. الزام الناصب، ۲۲۸؛ روزگار رهایی، ۴۷۵.
۶۹. ینابیع الموده، ۳، ۱۶۰، روزگار رهایی ۷۸.
۷۰. بشارة الاسلام، ۲۵۴؛ روزگار رهایی ۶۲۲.

۷۱. نعمانی ۱۵۲/.
۷۲. المهدی ۲۲۱؛ روزگار رهایی ۵۲۶.
۷۳. روزگار رهایی، ۵۲۶ نقل از منتخب الاثر ۴۳۹.
۷۴. غیبت نعمانی، ۳۲۳.
۷۵. نعمانی / ۲۲۳.
۷۶. المهدی، ۲۲۱؛ روزگار رهایی ۵۲۶.
۷۷. ینابیع المودة، ج ۳، ۱۳۶؛ روزگار رهایی، ۶۰۱.
۷۸. وفات العسکری ۴۹؛ روزگار رهایی، ۵۳۱.
۷۹. بشارة الاسلام، ۲۴۹؛ روزگار رهایی ۶۴۰.
۸۰. آل عمران، ۱۰۳.
۸۱. بحار الانوار، ج ۸ ، ص۳۲.
۸۲. بحار الانوار، ج ۱۵، ص ۳۹۲.
۸۳. زیارت آل یس (رحمة الواسعه)
۸۴. البیان، ۸۶؛ روزگار رهایی ۵۹۴.
۸۵. اختصاص مفید، ۲۴؛ روزگار رهایی، ۶۳۱.
۸۶. مثنوی، مولوی، دفتر سوم، ۳۶۵.
۸۷. الملاحم و الفتن ۱۳۷، روزگار رهایی ۵۹۸.
۸۸. غیبت، نعمانی، ۲۱۲.
۸۹. تحف العقول، ص ۵۱۶؛ کافی، ج ۱، ص ۱۹۸.
۹۰. تحف العقول، ص ۵۱۶؛ کافی، ج ۱، ص ۱۹۸.
۹۱. بشارة الاسلام، ص ۱۸۵، روزگار رهایی، ص ۶۴۰.
۹۲. بشارة الاسلام، صص ۲۸ و ۲۸۰؛ روزگار رهایی، ص۶۰۱.
۹۳. مثنوی مولوی، دفتر ششم، ص ۱۱۲۳.
۹۴. الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۱۵۳؛ روزگار رهایی ۵۹۹.
۹۵. کشف الغمه، ج ۳، ص ۳۲۴؛ روزگار رهایی ۴۹۹.
۹۶. بقره / ۱۹۶.
۹۷. حافظ.